



28 سپتمبر 2014



داکتر سيد عبدالله کاظم

استرداد استقلال کامل افغانستان افسانه نيست!

سال گذشته هنگامیکه محفلی برای گرامیداشت نود و چهارمین سالگرد استرداد استقلال کشور در شمال کالیفورنیا دائر گردیده بود، از آقای داکتر زمان ستانیزی نیز دعوت بعمل آمد تا بحیث سخنران مهمان در زمینه صحبت نماید. ایشان در سخنرانی خود به مطالبی اشاره کردند که حاضرین محفل را نه تنها به تعجب واداشت، بلکه همه از گفتار او در مورد استقلال کشور ناراحت شدند و خواستند در ختم صحبت با موصوف مباحثه نمایند، اما او به دلیل یک معذرت فوراً مجلس را ترک کرد. امسال باردیگر به همین مناسبت آقای ستانیزی در یکی از برنامه های تلویزیونی عین مطالب را بیان کرد که گفتارش با عکس العمل های یک تعداد از هموطنان مواجه شد و مقالاتی در زمینه در پورتال وزین افغان جرمن آنلاين در جهت تردید نظریات موصوف به نشر رسید که از جمله مقاله مسلسل جناب استاد اعظم سیستانی و داکتر عبدالرحمن زمانی و عده ای دیگر قابل یادآوری میباشد.

یکی از نکات مهم وقابل عطف در این ارتباط همانا ادعایی میباشد که داکتر ستانیزی آنرا به این عبارت بیان کرده است: «استرداد استقلال افغانستان افسانه ای بیش نیست زیرا افغانستان هیچوقت آزادی اش را از دست نداده و همیشه مستقل و دارای سیاست آزاد بوده و با کشورهای دیگر روابط داشته است». همچنان او علاوه میکند که: «جنگ سوم افغان و انگلیس بخاطر استرداد استقلال کشور، بی معنی و غیر ضروری بود و نتیجه اش فقط به باز شدن سفارت شوروی در افغانستان و قطع امداد پولی انگلیس به افغانستان انجامید».

در مورد دست آوردهای استرداد استقلال کشور اینکه آقای ستانیزی آنرا فقط در باز شدن سفارت شوروی و قطع امداد پولی انگلیس به افغانستان خلاصه ساخته است، توجه را بیک مقاله از این قلم جلب میکنم، تحت عنوان «تجلیل از سالگرد استقلال کشور یک وجیبه ملی» (منتشره پورتال افغان جرمن آنلاين، مورخ 18 اگست 2010) و امیدوارم که جناب ستانیزی صاحب این مقاله را مطالعه فرمایند. اما در مورد اینکه فرموده اند استرداد استقلال افغانستان افسانه ای بیش نیست...»، با آنکه این ادعا به مثابه "پنهان کردن آفتاب به دو انگشت" بوده و آنچه عیان است، حاجت به بیان ندارد، باز هم در جوار منابع و مأخذی که مورد استفاده دیگر نویسندگان محترم قرار گرفته است، بیکی از مأخذ معتبر دیگر استناد میکنم که برخلاف ادعای آقای ستانیزی در رابطه با تلاشهای ممتد و خستگی ناپذیر اولیای امور در عصر طلائی امانی و به زعامت آن پادشاه نامدار در راستای استرداد کامل استقلال کشور مطالبی بس مهم دارد.

جای شک نیست که قوای انگلیسی با بقدرت رسیدن امیر عبدالرحمن خان افغانستان را ترک کرد و از آن پس افغانستان در امور داخلی خود آزاد بود، ولی برطبق معاهده گندمک (1879) افغانستان در روابط خارجی استقلال نداشت و امور خارجی آن زیر نظر هند برتانوی پیش برده می شد. در این حال افغانستان با آنکه استقلال داخلی داشت، ولی این استقلال کامل نبود. هدف جنگ سوم افغان - انگلیس به زعامت امیر امان الله خان استرداد کامل استقلال کشور بود، چنانکه امیر موصوف در اولین بیانیه خود گفت: «من خود و کشور خود را از لحاظ جمیع امور داخلی و خارجی بصورت کلی آزاد، مستقل و غیروابسته اعلان میدارم و به هیچ قدرت خارجی اجازه داده نخواهد شد تا یک سرمو به حقوق و امور داخلی و سیاست خارجی افغانستان مداخله کند و اگر کسی زمانی چنان تجاوز نماید، من حاضریم با این شمشیر گردنش را قطع کنم».

امان الله خان به مقصد استرداد کامل استقلال افغانستان دچار مشکلاتی بود که باید از طریق دیپلماسی فعال و جدی آنرا حل میکرد، زیرا حصول استقلال واقعی وقتی میسر میگردد که آنرا کشورهای جهان به رسمیت بشناسند و نمایندگان سیاسی آنها در افغانستان حضور بهم رسانند تا روابط سیاسی با جهان برقرار گردد. در این مورد لودویک آدامک - افغانستان شناس مشهور می نویسد: «تثبیت این کار مشکل به نظر می آمد، زیرا تعداد زیاد ممالک جهان شک داشتند که برتانیای دست از افغانستان بردارد و آنرا به خود مردم آن واگذار شود؛ بنابراین محض ممالک همسایه و همجوار که ضد برتانیای بوده و به افغانستان همدردی داشتند چون شوروی، ترکیه و ایران به کمال میل استقلال افغانستان را به رسمیت شناختند».

معیار موفقیت افغانستان در اینکار اولتر از همه در مساعی جدی در صحنه دیپلماسی بین المللی بود که این کشور نو به پا خاسته و آزاد قابلیت تثبیت روابط دیپلماسی را با کشورهای دور و به خصوص قدرتهای اروپایی حاصل کند. برای انجام این وظیفه مهم امیر امان الله خان هیئتی را تحت ریاست محمد ولی خان وزیر دولت تعیین کرد که هیئت نخست در جون 1919 به تاشکند و از آنجا در ماه اکتوبر به مسکو و سپس به تعدادی از مراکز اروپایی و ایالات متحده امریکا رفت و طی دو سال توانست تماسهای دائمی دیپلماتیک را با عقد قراردادهای تجارتي و ایجاد دفاتر قونسله برقرار سازد و افغانستان را برای بار اول از گوشه انزوا سیاسی بیرون کشد. قابل ذکر است که جزئیات بیشتر را میتوان در مأخذ متعدد از جمله دو کتاب مشهور لودویک آدامک مطالعه کرد که شاید تعدادی از هموطنان با کتب او آشنائی داشته باشند. (1)

با این توضیح مختصر میخوام توجه را در این نوشته به یک کتاب مهم دیگر جلب کنم که لیون پولادا - افغانستان شناس امریکائی در کتاب مشهور خود تحت عنوان «کشور شاهی افغانستان و ایالات متحده از سال 1828 تا 1973» نوشته است. او در فصل سوم (شناسائی دیپلماتیک) این کتاب راجع به تلاش های اعلیحضرت امان الله خان و حکومت او در جهت به رسمیت شناختن دولت مستقل افغانستان بوسیله بعضی از حکومت های اروپایی و امریکا به نکاتی تماس میگیرد که مستقیم با موضوع استقلال افغانستان ارتباط دارد. در این نوشته میخوام به اقتباس از بعضی نکات مهم این فصل بپردازم تا عینیت موضوع استرداد کامل استقلال کشور با استناد یک مأخذ مهم دیگر برای خوانندگان عزیز که طالب معلومات بیشتر در زمینه باشند، واضح گردد: (2)

پولادا می نویسد: «شناسائی دیپلماتیک افغانستان در سطح جهانی بعنوان یک دولت مستقل و دارای سیاست و اختیار مطلق یکی از اهداف عمده سیاست خارجی امان الله خان قرار گرفت، آنهم وقتیکه او متعاقب قتل پدرش امیرحبیب الله خان در سال 1919 به مقام امارت رسید. جنگ سوم افغان - انگلیس در سال 1919 و معاهده راولپندی که جنگ را در عین سال پایان داد و معاهده صلح پایدار با برتانیای کبیر که در سال 1921 [در کابل] به امضا رسید، همه منتج به استقلال کامل افغانستان گردید و حق آنرا در اداره امور خارجی خودش پوره اعاده نمود، حقی که افغانستان بر طبق معاهده گندمک در سال 1879 در نتیجه جنگ دوم افغان - انگلیس به برتانویها واگذار کرده بود».

در این ارتباط پولادا از اعزام یک هیئت عالی به ریاست محمد ولی خان دروازی در اواخر سال 1919 برای دیدار از دول عمده اروپایی و ایالات متحده یاد میکند تا شناسائی دیپلماتیک از موقف جدید افغانستان را به حیث یک کشور کاملاً مستقل حاصل نماید و می نویسد: «وقتی هیئت به مسکو رسید، هم از طرف لینن و هم از طرف چیچرین - کمیسار امور خارجی با تشریفات کامل ملاقات گردید. شناسائی افغانستان علی الفور تعارف شد و رژیم بلشویک اولین کشوری بود که استقلال افغانستان را برسمیت شناخت. شورویها در این مقطع از تاریخ شان مایل بودند تا هیجان عمومی جدائی طلبان مسلمان را در امپراتوری آسیای مرکزی خود فرو نشانند و کشور های آسیائی را در مبارزه شان علیه برتانیای کبیر بجانب خود بکشانند. شناسائی فوری از طرف اتحاد شوروی اثر بسیار مساعدی بر افغانها بجا گذاشت».

پولادا در ادامه می افزاید: «هیئت محمد ولی از مسکو سفر خود را بسوی پایتخت های عمده اروپا ادامه داد و نه تنها در جستجوی شناسائی بود، بلکه در بعضی موارد موافقت کرد تا قرار داد های تجارتي مناسب را با حکومت های مختلف امضا کند. در این ضمن شورویها هیئتی را به کابل فرستاده بودند تا درباره یک معاهده مؤدت و دوستی مذاکره کند. در عین زمان یک هیئت برتانوی از حکومت هند در افغانستان بود و کوشش میکرد تا یک معاهده صلح نهائی را در کابل عقد کند».

د پانیو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

مذاکرات ایشان به پیچدگی‌ها برخورد کرده بود [به این ترتیب] که راجع به ماهیت و چگونگی معاهده میان حکومت هند برتانوی و حکومت امپراتوری در لندن عدم موافقت قابل ملاحظه وجود داشت: اولی از روی واقعیتی احساس می‌کرد که باید استقلال کامل افغانستان را تصدیق کند و سیاست دیکته شده از جانب لندن را مبنی بر اینکه افغانستان می‌بایست در داخل ساحه نفوذ بریتانیه باقی بماند و از هر گونه نفوذ روسی آزاد باشد، کم اهمیت جلوه دهد. این امر باعث شد که مذاکرات در کابل بیش از آنچه لازم بود، به درازا بکشد. در این ضمن لندن چنان موضع گیری کرد که کشورهای دیگر باید از شناسائی خودداری نمایند تا معاهده نهائی افغان - انگلیس به اتمام برسد. بنابراین هنگامیکه بریتانیه اطلاع یافت که ایتالیا در شرف امضای قرار دادی در زمینه روابط تجارتي و قونسلې با افغانستان میباشد، وزارت خارجه بریتانیه به حکومت ایتالیا احتجاج کرد. در احتجاج ذکر شده بود که بریتانیه در شرف تکمیل موافقتنامه ای با افغانستان است که "نفوذ سیاسی برتر و حاکم بریتانیه را در آن کشور تصدیق" خواهد کرد.

پولادا خاطر نشان می‌سازد که: «در اثنای مذاکره برای معاهده 1921 افغان - انگلیس، لندن از اعطای لقب "اعلیحضرت" به امان الله خان امتناع ورزید. آنها همچنان به نماینده جدید خود در هند اطلاع دادند که با وجود ادعای استقلال از طرف افغانستان، هیچ تغییری در وظایف وی روی نخواهد داد. افغانها توقع داشتند که نمایندگانی با لندن مبادله کنند، اما برتانوی ها در ابراز موافقت لازم قصداً امروز و فردا کردند و ارسال یک نماینده وزارت خارجه را به حیث وزیر مختار به کابل به تعویق انداختند. در مذاکرات مربوط معاهده کابل بجای ماموری که از لندن فرستاده شده بود، از طرف سکرتر امور خارجه هند برتانوی "سر هنری دابس" هدایت می‌شد. امان الله خان راساً نامه ای به پادشاه بریتانیه فرستاد و او را به حیث یک سلطان و یک برادر خطاب کرد، ولی پادشاه بریتانیه جورج پنجم هرگز به این نامه پاسخ نداد».

پولادا درباره دیدار هیئت افغانی به ریاست محمد ولی خان در لندن با وزیر خارجه بریتانیه "لارد کرزن" در اگست 1921 که پس از سفر واشنگتن صورت گرفت، می‌نویسد: «از این پیش فهمیده شده بود که [هیئت افغانی] بجای قایلین سرخ با پذیرائی سردی مواجه خواهد گردید. محمد ولی خصومت برتانویها را باید متوقع بوده باشد، زیرا او از پاریس سرراست به واشنگتن رفته و دیدارش را در لندن به آخر گذاشته بود. لارد کرزن که نایب السلطنه هند بود، یکی از مخالفان سرسخت استقلال افغانستان بشمار میرفت. وقتی که محمد ولی با او دیداری مختصر بعمل آورد و کوشش نمود تا درباره پیشرفت مذاکرات کابل گفتگو کند، به وی بطور کوتاه و تند اطلاع داده شد که این موضوعی است موقوف به مذاکره کنندگان که درباره آن در کابل تصمیم بگیرند. بعد از آن محمد ولی خواستار باریابی بحضور پادشاه جورج پنجم شد تا یک نامه شخص امان الله خان را به وی تقدیم نماید. کرزن به او گفت که باید این تقاضا را از "دفتر هند" بکند. محمود طرزی وزیر خارجه افغان در کابل احتجاج خشم آلودی به "سر هنری دابس" که هنوز نماینده برتانوی در مذاکرات بود، نوشت».

پولادا عکس العمل افغانها را در زمینه چنین بیان میکند: «افغانها به نوبت خود بر شدت خصومتی که با نزاع بر سر استقلال به وجود آمده بود، افزودند. در خلال اقامت هیئت محمد ولی در اتحاد شوروی، اعضای این هیئت با ماموران بلشویک در اظهار بیانیه های علنی در عیب جوئی از برتانویها رقابت میکردند و وعده میدادند که در جهت براندازی استبداد بریتانیه از عرش حکمرانی ظالمانه آنها بر مردمان مشرق زمین همکاری نمایند».

پولادا در مورد دیدار هیئت افغانی در واشنگتن می‌نویسد: «بی میلی بریتانیه در پذیرش واقعیت استقلال افغانها موقف رسمی امریکائی ها را در برابر کوشش افغانستان برای حصول شناسائی سخت زیر تأثیر گرفت. ... اما توقعات هیئت محمد ولی برای یک پذیرائی بسیار مساعد امریکائی خیلی زیاد بود و انتظار داشتند که به حیث نمایندگان یک کشور تازه به استقلال رسیده با گرمجوشی استقبال خواهند شد و ظاهراً حتی آرزوی ترتیب نوعی کمک تخنیکي و امتیازات تجارتي را داشتند که افغانستان را قادر خواهد کرد منابع تجارتي خود را متنوع سازد و در اثر آن انحصار هند برتانوی را درهم شکند».

اما اینطور نشد، چنانچه پولادا می‌نویسد: «وقتی محمد ولی در پاریس بود، با سفیر امریکا دیدار مختصر نمود تا به او اطلاع دهد که وی به عنوان نماینده خاص افغانستان حامل نامه از وزیر خارجه افغانستان عنوانی وزیر خارجه امریکا بوده است و اظهار داشت که قصد دارد به واشنگتن برود تا استقلال افغانستان را اعلام و مناسبات دوستانه برقرار سازد. اما پیش از پذیرفتن محمد ولی، سفیر امریکا "والس کمبل" به سفیر بریتانیه در فرانسه "لارد هاردنگ" تلفون کرد تا تمایل

د پانوی شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

فکری حکومت برتانیه را نسبت به هیئت افغانی معلوم نماید. سفیر برتانیه گفت که حکومت برتانیه فعالیت‌های این هیئت یا مساعی آنرا در انعقاد موافقتنامه‌ها با دیگر حکومت‌ها به چشم رضا و قبول نمی‌بیند و علاوه کرد که: ما افغانستان را اگرچه به ظاهر مستقل است، هنوز بعنوان کشوری می‌شناسیم که اندرون حوزه نفوذ سیاسی ما بوده و ما علاقمندیم از هر اقدامیکه بعدم دلبستگی ما به روابط خارجی آن کشور اشارت کند، جلوگیری نمائیم. حقیقت امر اینست که ما امیدواریم رابطه بسیار نزدیکتری را با افغانستان در آینده قریب آغاز کنیم».

پولادا اذعان میدارد: «این پاسخ چنانکه به واشنگتن گزارش داده شد، بدون شک در پذیرائی سرد هیئت محمد ولی در ایالات متحده بی تأثیر نبود. مع الوصف وقتی هیئت در 12 جولای 1921 به واشنگتن مواصلت کرد، وزارت خارجه آن کشور ترتیب تعارفات معمول گمرکی را در بندر نیویارک گرفت و قرار ملاقات با وزیر خارجه "چارلس هیوز" گرفته شد.... هیوز در 20 جولای 1921 با محمد ولی و هیئت او ملاقات کرد؛ محمد ولی نامه وزیر خارجه افغان محمود طرزی را به او تقدیم نمود که در آن ابراز آرزومندی برای برقراری مناسبات دوستانه میان افغانستان و ایالات متحده شده بود. بطور شفاهی محمدولی بر استقلال افغانستان و تمایل آن جهت برقراری روابط دیپلماتیک و تجارتي تأکید گذاشت. هیوز در جواب گفت که او از هیئت نمایندگان حسن استقبال میکند، اما تأسیس روابط دیپلماتیک موقوف به فیصله کانگرس است. بنابراین او نمیتواند پاسخی به درخواست محمد ولی در این وقت بدهد». پولادا تصریح میکند که: «این پاسخ مدتها طفره آمیز و عاری از خلوص نیت بود، زیرا هیچ مقررات قانونی وجود ندارد که تأسیس یک پوست دیپلماتیک را به حیث شرط قبلی شناسائی دیپلماتیک لازمی داند».

بهرحال طوریکه پولادا می‌نویسد: «هیوز در آخر به نامه ای طرزی کتباً پاسخ داد و برای عدم توافق بر تأسیس روابط دیپلماتیک عاجل عین عذر را آورد و اما برای هیئت زمینه ملاقات با "هاردنگ" رئیس جمهور ایالات متحده را که برایش از روی احتیاط مشوره داده بودند که کاری نکند که تمایل افغانها را به شناسائی تشویق نماید، فراهم ساخت. محمد ولی نامه ای از جانب امیر امان الله خان را به رئیس جمهور "هاردنگ" تقدیم کرد. در این نامه امیر امان الله خان جلوس خود را بر تخت سلطنت اعلان و تمایل صادقانه خویش را برای برقراری روابط دوستانه پایدار میان افغانستان و حکومت ایالات متحده ابراز نموده بود. رئیس جمهور از هیئت اعزامی حسن استقبال کرده و توضیح نمود که امکان تأسیس یک دفتر دیپلماتیک بدون فیصله کانگرس میسر نیست. پس‌انتر هاردنگ نامه ای به عین مفهوم به امان الله خان نوشت».

پولادا می‌افزاید: «معهداً خودمانی سیاستمداران گرم و طبیعی که هاردنگ در جریان گفتگو از خود نشان داد، از طرف محمد ولی به حیث پذیرفتن استقلال افغانستان تلقی گردید و مسئله برقراری روابط دیپلماتیک بعنوان یک مانع قانونی صرف تخنیکی انگاشته شد که ایالات متحده در موقع مناسب آنرا برطرف خواهد کرد.... بهرحال تجارب بعدی در خصوص اینکه آیا ایالات متحده در واقع افغانستان را به رسمیت شناخته بود یا خیر، سردرگمی زیادی را ببار آورد و سرانجام رشته روابط واقعاً گره خورده و جر گردید».

به همین ترتیب هیئت افغانی از سپتمبر 1921 تا مارچ 1922 دوبار از پاریس، برلین و روم دیدن کرد و به اعزاز و اکرام پذیرائی شدند و در اپریل 1922 حین بازگشت به پاریس پیمان مؤدت بین افغانستان و فرانسه عقد گردید که در نتیجه این سفر دوساله و زحمات فراوان بالاخره افغانستان با اتحاد شوروی، ایران، ترکیه، ایتالیا و فرانسه و همچنان یک تعداد کشورهای دیگر پیمانهای دوستی امضا کرد و آن کشورها با افغانستان به تبادل نمایندگان سیاسی پرداختند.

اکنون با شرح مختصر فوق جای هیچ سؤال و شک تردید باقی نمی‌ماند که استرداد استقلال کامل افغانستان "افسانه" نبوده، بلکه یک واقعیت مسلم تاریخی و غیرقابل انکار است که درقدم اول با اعلام جهاد در سه جبهه (مشرقی، جنوبی و قندهار) آغاز گردید و با یک اقدام نظامی موفق در محاذ جنوبی به سرگردگی سپه سالار محمد نادر خان پیشرفت کرد و با پیشنهاد متارکه از طرف انگلیس‌ها و قبولی آن از طرف امیر امان الله خان غازی عملیه طولانی و دشوار سیاسی طی سه دوره مذاکره بین هیئت‌های افغانی و هند برتانوی در لاهور، مسیوری و کابل ادامه یافت و در عین زمان با اعزام هیئت سیار افغانی به کشورهای اروپائی و امریکا و برقراری روابط سیاسی با تعدادی از کشورها استقلال افغانستان از جانب بسیاری آنها به رسمیت شناخته شد و در نهایت افغانستان با عقد معاهده 1921 در کابل از چنگال برتانیه آزاد گردید و طوریکه لودویک آدامک می‌نویسد: «درافق تاریخ افغانستان سپیده دم دوره و عصر جدید

پدیدار گشت، در حالیکه فرمانروایان افغان استقلال و آزادی خود را پیروزمندانه حفاظت کردند، اما بدان آرزو و اشتیاق که افغانستان نیروی عظیم گردد، نتوانستند جامه عمل بپوشانند». پایان

مآخذ:

- 1) - آدامک ، لودویک: "روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست"، مترجم: پوهاند محمد فاضل، پشاور، 1377 ش، صفحه 80 تا 92 ؛
- آدامک، لودویک: "تاریخ روابط سیاسی افغانستان از زمان امیر عبدالرحمن خان تا استقلال"، مترجم: علی محمد زهما، چاپ پشاور
- 2) - پولادا، لیون و پولادا، لیلا: "کشور شاهی افغانستان و ایالات متحده از سال 1828 تا 1973"، مترجم: پوهاند غلام صفدر پنجشیری، 1999، ویرجینیا (فصل سوم - بخش یکم، از صفحه 46 تا 62)

د پانیو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنی د لېکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ